

بسمه تعالی

شوگ قیمتی نفت و بیماری هلندی : بررسی موردی ایران

استاد راهنما : جناب آقای دکتر بهرامی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر محمدی

دانشجو : سمیرا نصیری

چکیده:

در پی مطالعه تاثیرگذار کیلیان (۲۰۰۹)، ما در این رساله با بکارگیری روشی مشابه به بررسی این امر پرداختیم که آیا شوکهای ساختاری متفاوت قیمت نفت، اثر یکسانی بر متغیرهای مهم اقتصاد ایران دارند؟ بدین منظور با استفاده از داده های ماهانه دوره ۱۹۷۳ الی ۲۰۰۷، پنج نوع مختلف از شوکهای ساختاری قیمت نفت، یعنی شوک عرضه نفت ناشی از اتفاقات سیاسی ایران، شوک عرضه نفت ناشی از اتفاقات سیاسی اعضا اوپک، سایر شوکهای عرضه، شوک تقاضای جهانی و شوک تقاضای مخصوص نفت را از باقیمانده های یک مدل حل شده VAR استخراج کردیم. سپس با استفاده از معادلات رگرسیونی مجزا تخمین زده شده از روش OLS بر مبنای داده های سالانه اقتصاد ایران، تاثیر این شوکهای ساختاری را بر متغیرهای اساسی اقتصاد ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم.

یافته های ما در مورد تاثیرگذاری این شوکهای ساختاری، با نتیجه گیری کیلیان مبنی بر اینکه "همه شوکهای قیمت نفت مثل هم نیستند" مطابقت دارد. بعلاوه، مطالعه ما نشان می دهد که علائم بیماری هلندی، الزاماً در پی کلیه اشکال شوک قیمت نفت مشاهده نشده است، اگرچه این نشانه ها بعد از شوک عرضه ناشی از اتفاقات سیاسی ایران کاملاً مشهود است. با توجه به نقش انحصاری دولت در تولید و صادرات نفت ایران عجیب نیست اگر بگوییم که نحوه تاثیرگذاری شوکهای قیمت نفت بر اقتصاد ایران، تا حد بسیاری به سیاستهای اقتصادی دولت پس از ورود شوکهای مزبور وابسته است.

واژگان کلیدی: شوک قیمتی نفت، SVAR، بیماری هلندی، نرخ ارز حقیقی، کالاهای قابل مبادله و غیر

قابل مبادله

با تقدیر و تشکر

از پدر و مادرم

که بدون حمایت آنها قادر به طی کردن مسیر زندگانی نبودم.

و از استادم جناب آقای دکتر بهرامی

که اگر صبوری ، حمایت و پشتیبانی های بی دریغ ایشان نبود ، براستی انجام این رساله ناممکن می نمود.

فهرست :

فصل اول: کلیات تحقیق ۲

۱-۱- مقدمه ۳

۱-۱-۱- بیان مسئله و ضرورت تحقیق ۳

۱-۲- فرضیه ها و سوال های تحقیق ۵

۱-۲-۱- سوالها ۶

۱-۲-۲- فرضیه ها ۶

۱-۳- اهداف تحقیق ۶

۱-۴- روش شناسی ۷

۱-۴-۱- نوع روش تحقیق ۷

۱-۴-۲- روش گرد آوری اطلاعات و داده ها ۷

۱-۴-۳- جامعه آماری ، روش نمونه گیری و حجم نمونه ۸

فصل دوم : مبانی نظری ۱۰

۲-۱- مقدمه ۱۱

۲-۱-۱- تاریخچه نظریات مختلف ۱۱

۲-۱-۲- شواهد تجربی ۱۴

۲-۲- بیماری هلندی ۱۷

۲-۲-۱- مدل کلاسیک بیماری هلندی ۱۹

۲-۲-۲- بیماری هلندی در کشورهای صادرکننده نفت ۲۲

۲-۲-۳- واردات و بیماری هلندی ۲۳

فصل سوم : مروری بر ادبیات تحقیق ۲۶

۲۷.....(۳-۱) - مقدمه

۲۷.....(۳-۲) - مروری بر طرحهای موجود در داخل کشور

۳۶.....(۳-۳) - مروری بر طرحهای خارج از کشور

۴۲..... فصل چهارم : تخمین مدل و یافته های تحقیق

۴۳.....(۴-۱) - مقدمه

۴۵.....(۴-۱-۱) - تاثیر شوک نفتی بر اقتصاد کلان

۴۵.....(الف) - کشورهای توسعه یافته و صنعتی وارد کننده نفت

۴۶.....(ب) - کشورهای توسعه نیافته مصرف کننده نفت

۴۷.....(پ) - کشورهای صادر کننده نفت

۴۹.....(۴-۲) - مروری بر الگوهای سری زمانی

۴۹.....(۴-۲-۱) - مدل VAR

۵۲.....(۴-۲-۲) - مدل SVAR

۵۳.....(۴-۳) - تشریح مدل و مراحل اجرای کار تجربی

۵۸.....(۴-۴) - مروری بر شوکهای سیاسی برون زای نفت از سال ۱۹۷۳م به بعد

۵۹.....(۴-۵) - ساخت سری های بدیل و محاسبه انحرافات تولید (کاهش تولید)

۵۹.....(۴-۵-۱) - سری بدیل برای جنگ اکتبر ۱۹۷۳ ، تحریم اقتصادی ۷۴-۱۹۷۳ و میزان انحراف تولید

۶۴.....(۴-۵-۲) - ساخت سری بدیل برای ایران طی دوران انقلاب و جنگ و میزان انحراف تولید

۶۶.....(۴-۵-۳) - ساخت سری بدیل و انحراف تولید برای کشور عراق

۶۸.....(۴-۵-۴) - ساخت سری بدیل و انحراف تولید برای کشور کویت

۷۰.....(۴-۵-۵) - ساخت سری بدیل و انحراف تولید برای کشور عربستان

- ۷۲.....(۴-۵-۶) - ساخت سری بدیل و انحراف تولید برای کشور ونزوئلا
- ۷۳.....(۴-۵-۷) - ساخت سری انحراف تولید برون زای نفت اوپک (به غیر از ایران)
- ۷۴.....(۴-۶) - سایر آمارهای مورد استفاده برای تخمین مدل VAR
- ۷۵.....(۴-۷) - تخمین مدل ساده VAR
- ۷۵.....(۴-۷-۱) - تجزیه و تحلیل داده ها
- ۷۶.....(۴-۷-۲) - تخمین مدل پایه
- ۷۷.....(۴-۷-۳) - تخمین SVAR و محاسبه شوک ساختاری
- ۸۰.....(۴-۸) - مطالعه تجربی تاثیر انواع شوکهای ساختاری بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران
- ۹۱.....(۴-۹) - تحلیل نتایج تخمین ها
- ۹۹..... فصل پنجم نتیجه گیری
- ۱۰۰.....(۵-۱) - نتیجه
- ۱۰۳..... منابع
- ۱۰۶..... ضمیمه

فهرست جداول:

۲۴.....	جدول شماره ۱.....
۷۵.....	جدول شماره ۲.....
۸۸.....	جدول شماره ۳.....
۹۲.....	جدول شماره ۴.....

فهرست نمودارها:

۶۳.....	نمودار ۱.....
۶۵.....	نمودار ۲.....
۶۷.....	نمودار ۳.....
۶۹.....	نمودار ۴.....
۷۱.....	نمودار ۵.....
۷۲.....	نمودار ۶.....
۷۳.....	نمودار ۷.....
۷۴.....	نمودار ۸.....



امروزه حیات اقتصادی به انرژی وابسته است و نفت بعنوان یکی از منابع عمده انرژی بخش اعظم مصارف کنونی جهان را پوشش می دهد. این ماده در ساختار اقتصادی کشورهای صادر کننده نقش اساسی ایفا می کند و به عنوان مهمترین منبع درآمدهای ارزی دولتها محسوب می شود.

اقتصاد ایران یکی از معدود اقتصادهایی در سطح جهان است که طی هفت تا هشت دهه اخیر فرآیند صنعتی شدن را با اتکاء شدید به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت طی کرده است. درآمدهای حاصل از نفت در اقتصاد ایران به لحاظ اندازه همواره سهم بزرگی در بودجه دولت ، تراز پرداختهای خارجی و متغیرهای پولی داشته است. لذا اتخاذ استراتژی بهینه بهره برداری از منابع نفتی کشور از جهت دوخصلت عمده نفت اهمیت پیدا می کند. موضوع پایان پذیری و غیر قابل تجدید بودن منابع از یک طرف و نیز نوسانات شدید قیمت نفت و بی ثباتی بازار آن در سطح جهان دو بعد عمده آسیب پذیری اقتصاد ملی از نفت می باشند. تسلط درآمد نفتی در بودجه دولت در مجموع می تواند منجر به تسلط مالی ، بیماری هلندی و بعضاً اثر ازدحام و تسلط دولت بر بخش خصوصی در سرمایه گذاری و تولید شود و از این بابت اقتصاد ملی کشور می تواند نسبت به نوسانات درآمد نفت آسیب پذیری های جدی و عمیقی را تجربه کند.

۱-۱-۱) بیان مسئله و ضرورت تحقیق

عوامل متعددی سبب بروز یک شوک قیمتی نفت می شود. عواملی همچون : شوکهای عرضه نفت ، شوک تقاضای جهانی و سایر عوامل. این شوکها بسته به منشاشان به نحوی متفاوت اقتصاد را تحت تاثیر قرار می دهند. این شوکها در مورد ایران ، هم از طریق افزایش درآمد نفت اقتصاد را متاثر می کند و هم از طریق افزایش قیمت کالاهای وارداتی و این اثرات گاه ممکن است اثر یکدیگر را تا حد قابل ملاحظه ای خنثی کنند. از طرفی افزایش درآمدهای حاصل از منابع طبیعی از طریق کاهش نرخ حقیقی ارز منجر به تسلط بخش نفت بر سایر بخشهای اقتصادی می شود.

در تحقیقاتی که تا کنون در زمینه شوک نفتی در ایران انجام گرفته است همواره شوکهای نفتی مشابه هم در نظر گرفته شده اند در حالیکه افزایش قیمت نفت ممکن است به دلایل مختلفی واقع شده باشد ، مثلاً رشد اقتصاد جهانی و در نتیجه رشد تقاضا برای نفت می تواند به افزایش قیمت نفت منجر شود ، همچنین کاهش تولید یکی از اعضای اوپک یا کشورهای غیر عضو نیز می تواند قیمت نفت را افزایش دهد یا حتی ممکن است اقتصاد جهانی در شرایط رونق نباشد ولی حضور یک یا چند مصرف کننده جدید در بازار نفت (مانند هند و چین) بازهم به افزایش قیمت نفت منجر شود. به عنوان مثال دیگر وقتی ایران در اوایل انقلاب صادرات نفت خود را به یک سوم تقلیل داد سبب افزایش قیمت نفت شد. بدیهی است که این موارد از افزایش قیمت نفت که ذکر کردیم به لحاظ تاثیر بر اقتصاد ایران یا هر کشور صادرکننده نفت و ایجاد بیماری هلندی تاثیرات مشابهی نخواهند داشت ، پس یکسان تلقی کردن شوکهای نفتی می تواند سبب نتیجه گیری های نادرست و اشتباه در تجزیه و تحلیل ها شود ، بنابراین این سوال مطرح است که این ظن و گمان (در مورد عدم یکسان نبودن شوکهای نفتی) تا چه حد با مشاهدات آماری در خصوص اقتصاد ایران تایید می شود. برای بررسی این مطلب باید بتوانیم مسیر قیمت نفت که همراه با فراز و نشیبهای فراوان است را به مولفه هایی تفکیک کنیم که هر کدام نماگر عوامل موجب شناخته شده این نوسانات باشد یعنی باید مسیر پرنوسان قیمت نفت را به آن بخش از تغییرات که مربوط به رونق اقتصاد جهانی است یا مربوط به شوکهای عرضه نفت یا تغییرات مرتبط با تحول در تقاضای نفت می باشد تجزیه نماییم. روش شناخته شده و مرسوم برای انجام این امر در ادبیات سری زمانی استفاده از مدل‌های VAR ساختاری (SVAR) است. اساساً مدل‌های VAR ساختاری بر خلاف مدل‌های VAR ساده که بیشتر در حوزه پیش بینی مورد استفاده قرار می گیرند برای تجزیه شوکهای ترکیبی وارده بر یک متغیر به عوامل موجب آن طراحی شده اند که متاسفانه در مطالعات اقتصادی در ایران چندان شناخته شده نمی باشند. از این نظر رساله حاضر

دارای دو نوآوری مهم در مورد مطالعه تاثیر تغییرات قیمت نفت بر اقتصاد ایران است : اول توجه به یکسان نبودن ماهیت شوکهای نفتی و دوم استفاده از روش نوین VAR ساختاری. به بیان دقیق تر ما در این رساله سعی می کنیم .تا با مطالعه تاثیر هر کدام از این شوکهای خالص ساختاری اثر گذار بر قیمت نفت بر روی متغیرهایی چون تورم ، نرخ ارز حقیقی و تولیدات صنعتی که نماگرهای مفید در تشخیص بروز بیماری هلندی هستند در مورد تفاوت تاثیرگذاری انواع شوک نفتی در ایجاد بیماری هلندی نتیجه گیری نماییم.

۲-۱) - فرضیه ها و سوال های تحقیق:

فرضیه ها و سوالهایی که در این رساله بدنبال پاسخگویی و بررسی آنها هستیم بقرار زیر است:

۱-۲-۱) - سوالها :

۱- آیا هر یک از این شوکهای ساختاری قیمت نفت بصورت مجزا، به نحو معنا داری نرخ ارز حقیقی را تحت تاثیر قرار می دهد؟

۲- آیا هر یک از این شوکهای ساختاری قیمت نفت بصورت مجزا، به نحو معنا داری تولیدات صنعتی را تحت تاثیر قرار می دهد؟

۳- آیا هر یک از این شوکهای ساختاری قیمت نفت بصورت مجزا، به نحو معنا داری تورم را تحت تاثیر قرار می دهد؟

۴- آیا شوکهای ساختاری قیمت نفت ، تاثیرات یکسانی از نقطه نظر ایجاد بیماری هلندی در اقتصاد ایران دارند؟

۲-۲-۱) - فرضیه ها:

- ۱- هر یک از شوکهای ساختاری قیمت نفت، تاثیر متفاوتی بر نرخ ارز حقیقی دارد.
- ۲- هر یک از شوکهای ساختاری قیمت نفت، تاثیر متفاوتی بر تولیدات صنعتی دارد.
- ۳- هر یک از شوکهای ساختاری قیمت نفت، تاثیر متفاوتی بر تورم دارد.

۳-۱) - اهداف تحقیق:

با توجه به اینکه درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت در اقتصاد ایران به لحاظ اندازه ، همواره سهم بزرگی از بودجه دولت ، تراز پرداختهای خارجی و متغیرهای پولی داشته است ، این تحقیق می تواند با شناسایی این امر که تمام شوکهای نفتی یکسان نیستند و با داشتن منسایهای مختلف به نحو متفاوت اقتصاد را تحت تاثیر قرار دهند ، دولت را در شناسایی این شوکها و سیاستگذاری و اتخاذ تدابیر مفید تر یاری دهد. بدین منظور لازم است مراحل زیر را به انجام برسانیم:

- ۱- تجزیه نوسانات قیمت نفت به عوامل ساختاری (شوکهای ساختاری) موجب آن مانند یعنی رونق جهانی ، تحولات تقاضای نفت و تغییرات عرضه نفت.
- ۲- بررسی تاثیر هر کدام از این شوکهای ساختاری متفاوت بر متغیرهایی چون تورم ، نرخ ارز حقیقی ، تولیدات صنعتی.

۳- بررسی یکسان یا متفاوت بودن نحوه اثر گذاری شوکهای ساختاری متفاوت در ایجاد بیماری هلندی در ایران

۴-۱) - روش شناسی

۴-۱-۱) - نوع روش تحقیق:

اجرای مراحل فوق در چارچوب روش بررسی تجربی و همبستگی آماری صورت می گیرد.

۴-۱-۲) - روش گرد آوری اطلاعات و داده ها :

اطلاعات و داده های این مطالعه بصورت کتابخانه ای و با بهره جویی از منابع داخلی و خارجی گرد آوری شده است. منبع اصلی این داده ها که با استفاده از اینترنت تهیه شده است ، سایت بانک مرکزی، سایت سازمان اوپک و سایت انرژی آمریکا www.eia.doe.gov می باشد.

۴-۱-۳) - جامعه آماری ، روش نمونه گیری و حجم نمونه

جامعه آماری ما در این رساله متشکل از آمارهای بین المللی و آمار مربوط به ایران می باشد. آمار بین المللی آمار مورد استفاده ، دوره زمانی ۱۹۷۳ تا آخر سال ۲۰۰۶ میلادی را در بر می گیرد. این آمارها که برای استخراج شوکهای ساختاری مورد استفاده قرار می گیرد ، آمارهای ماهانه می باشند. آمارهای مربوط به

ایران که در این رساله مورد استفاده قرار می گیرد ، آمارهای سالانه اند که دوره زمانی ۸۶-۱۳۵۲ را پوشش می دهند.

همانگونه که گفته شد ، در این رساله ما بدنبال مشخص کردن این امر هستیم که انواع نوسانات در قیمت جهانی نفت را نمی توان ، شوکهای نفتی مشابه در نظر گرفت. مثلاً افزایش قیمت نفت می تواند ناشی از کاهش صادرات نفت ایران ، کاهش در عرضه اوپک یا غیر اوپک ، ورود مصرف کنندگان جدید به بازار نفت ، رونق جهانی و یا افزایش تقاضای نفت باشد. کلیه مطالعاتی که در کشور صورت گرفته است از این امر غفلت کرده و توجهی به این تفاوت ها نداشته اند. حتی در سطح بین المللی ، قبل از " Kilian ۲۰۰۶" ، به این مسئله توجه نشده بود. این در حالی است که تاثیر هر کدام از این شوکهای مختلف در ایجاد بیماری هلندی می تواند متفاوت باشد. " Harvey ۲۰۰۷" ، با بهره جویی از روش Kilian در تجزیه شوکهای ساختاری قیمت نفت ، این فرضیه را برای کشور نروژ مورد بررسی قرار داده و نشان داده است که تاثیر شوکهای ساختاری مختلف در ایجاد بیماری هلندی یکسان نمی باشد.

هدف نهایی ما در این تحقیق ، بررسی همین فرضیه در مورد اقتصاد ایران است. در این راستا ، ابتدا در فصل دوم خلاصه ای از مطالب نظری و حقایق آماری مرتبط با بیماری هلندی را ارائه خواهیم کرد. در فصل سوم ضمن مرور بر ادبیات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع ، تفاوت مطالعه حاضر با مطالعات قبلی را بیان می کنیم. در فصل چهارم جزئیات مطالعات تجربی خود را بیان می کنیم. مطالب این فصل مشتمل بر معرفی شوکهای نفتی و روش های محاسبه آن ، چگونگی اثرگذاری شوکهای نفتی بر اقتصاد کلان ، مراحل محاسبه شوک های نفتی در این مطالعه ، نحوه تجزیه شوکهای ترکیبی به شوکهای ساختاری و در نهایت ، مطالعه تجربی تاثیر شوکهای ساختاری بر متغیرهای مهم اقتصاد ایران می باشد. فصل پنجم آخرین فصل این رساله است که به جمع بندی و ارائه نتیجه سیاستی این مطالعه اختصاص یافته است.

فصل دوم :
مبانی نظری

۱-۲- - مقدمه

در این فصل ما خلاصه ای از مطالب نظری و حقایق آماری مرتبط با بیماری هلندی را ارائه خواهیم کرد.

۱-۱-۲- - تاریخچه نظریات مختلف^۱

اظهار نظر و بحث در خصوص اثر فراوانی ثروت طبیعی بر جامعه حداقل به قرن چهارم میلادی و نظریات " ابن خلدون " باز می گردد. وی نقش های مختلفی را برای دولت بر شمرده است که از آن جمله: بر باد دهنده ، اسراف کننده و تلف کننده منابع می باشد. در قرن شانزدهم میلادی "جین بادین" نقش منابع طبیعی را منفی قلمداد کرده است. "ساچز و وارنر"^۲ در مطالعه خود در سال ۱۹۹۹ نقل قولی از وی آورده اند که: « مردمان در سرزمین حاصلخیز و ثروتمند ، انسان هایی تنبل و تن پرور پرورش می یابند و برعکس از سرزمین های بی حاصل و سترون ، مردمانی میانه رو ، معتدل و سختی پذیر و در نتیجه دقیق ، هشیار و ساعی حاصل می شود ». در قرن هفدهم میلادی نیز " آدام اسمیت " بر این عقیده بوده است که پروژ ه های معدنی به جای تجمیع سرمایه ، آنرا تحلیل می برد.

تحقیق در خصوص اثرات منفی منابع طبیعی در میان اقتصاددانان توسعه به ویژه در دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ دامنه وسیعتری یافت. نخستین تحقیقات در این زمینه به وسیله " رائل پریش " و " هانس سیگنر"^۳ صورت پذیرفته است. این دو اقتصاددان مطرح ساختند که به واسطه کاهش نرخ مبادله ، صادرکنندگان منابع طبیعی در تجارت با کشورهای صنعتی همواره زیان خواهند نمود. نظریات دیگر اقتصاددانانی همانند "هیشرمن" در سال ۱۹۵۸ ، " سیرز " در سال ۱۹۶۴ و " بالدوین " در سال ۱۹۶۶ ، منجر به تقویت اندیشه اثر منفی منابع طبیعی بر عملکرد و رشد اقتصادی کشورهای برخوردار از این منابع شد. البته در

^۱ - مالکی ، امین ، " بررسی بیماری هلندی با تاکید بر بخش واقعی اقتصاد " ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، ۱۳۸۳.

^۲ - Sachs and Warner , 1999 , P.14

^۳ - Rual Perbish , 1950-1964 , Hans Singer , 1950

همین دوره از زمان بودند اقتصاددانانی که منابع طبیعی را عاملی در جهت رشد اقتصادی می دانستند. " گالبرایت" سال ۱۹۵۸ در کتابی تحت عنوان "جامعه دولتمند" می نویسد: «هیچ ثروتی بدون مزایا نخواهد بود وسایر نظرات مخالفی که در این زمینه مطرح شده اند ، هیچگاه نتوانسته اند بطور کامل متقاعد کننده باشند». در واقع از دیدگاه " گالبرایت" و سایر اقتصاددانانی که با وی در این خصوص هم عقیده اند ، درآمد فراوان حاصل از منابع طبیعی قطعاً به خلق ثروت ، رشد اقتصادی و کاهش فقر منجر خواهد شد. این اندیشه در بسیاری از نظریات توسعه نیز خود را متجلی می سازد. به عنوان مثال ، پیروان مکتب " بنیادگرایی سرمایه^۴ " همانند " لوئیس^۵ " و " روستو^۶ " بر این عقیده اند که عمده ترین عامل محدود کننده رشد اقتصادی کمبود سرمایه است و درآمد حاصل از منابع طبیعی خدادادی می تواند این کمبود را به خوبی جبران کند. " جاشای^۷ " در سال ۱۹۷۰ در کتابی تحت عنوان " پس انداز و محدودیت های ارز خارجی" و " ال شیلی و تیروال^۸ " در مقاله ای تحت عنوان " تحلیل شکاف دوگانه در کشور سودان " در سال ۱۹۸۱ نظریه ای تحت عنوان " تحلیل شکاف دوگانه^۹ " را مطرح ساخته و عنوان می دارند که پس انداز به ویژه به پول داخلی، لزوماً منجر به خرید کالاهای سرمایه ای وارداتی به ارز خارجی نخواهد شد و در نتیجه پس انداز لزوماً به سرمایه گذاری نخواهد انجامید و سرمایه گذاری لازم برای رشد اقتصادی باید از منابع ارزی نیز برخوردار باشد که از جمله این منابع ، درآمد حاصل از منابع طبیعی است. از دیگر نظریات توسعه موافق با نقش مثبت درآمد حاصل از منابع طبیعی در فرآیند رشد اقتصادی می توان به نظریه " تکانه بزرگ^{۱۰} " " رودن اشتاین و مورفی" اشاره کرد. " رودن اشتاین" در سال های ۱۹۴۳ و ۱۹۶۱ به ترتیب در مقاله ای با عنوان "مشکلات صنعتی شدن کشورهای شرق و جنوب شرق اروپا" و کتابی تحت عنوان " ملاحظه ای بر تئوری تکانه بزرگ" و " مورفی و دیگران" در مقاله ای تحت عنوان "صنعتی شدن و تکانه بزرگ" در سال ۱۹۸۹ عنوان می دارند که کشورهای فقیر به منظور خارج شدن از چرخه فقری که در دایره

^۴ - Capital Fundamentalism

^۵ - Lewis ,1955

^۶ - Rostow ,1960

^۷ - Joshi ,1970

^۸ - El Shibley and Thriwall ,1981

^۹ - Dual Gap Analysis

^{۱۰} - Big Bush

آن گرفتار آمده اند ، نیازمند " تکانه بزرگی " هستند که این چرخه را بشکنند. درآمدهای حاصل از نفت ، گاز و معادن می تواند ارز خارجی و سرمایه لازم را در اختیار این کشورها قرار داده و تکانه لازم را فراهم کند اما مشاهدات تجربی نشان داد که کشورهای برخوردار از منابع غنی نسبت به کشورهایی که منابع طبیعی چندانی ندارند ، از عملکرد اقتصادی ضعیفی در زمینه رشد اقتصادی و کاهش فقر برخوردار بوده اند و در طول سالهای اخیر این مهم منجر به پیدایش " تئوری مصیبت منابع "^{۱۱} شده است.

این نام گذاری نخستین بار توسط " آتی " در سال ۱۹۹۳ در کتابی تحت عنوان " توسعه پایدار در کشورهای معدنی ، نظریه مصیبت منابع " مطرح شد. به بیانی دقیق تر آتی نخستین بار در مقاله ای در ژورنال عربی " پول خاورمیانه " در سال ۱۹۷۵ و با نام مستعار "دیود بروک" این اصطلاح را بکار برد. وی در این مقاله چنین نتیجه گیری کرده است: « نفت در قرن بیستم با جهان عرب همان کاری را کرده است که مغول ها در قرن سیزدهم ، یعنی ویرانی کامل». البته همانگونه که آتی خود نیز اشاره می دارد ، لزوماً استفاده از منابع حاصل از منابع طبیعی همواره به فقر نینجامیده و پدیده "مصیبت منابع" یک قانون آهنین نبوده و "استعداد بالقوه قوی" است^{۱۲}.

۲-۱-۲) شواهد تجربی

بر اساس تئوری های مختلف رشد اقتصادی ، تجمع سرمایه از جمله عوامل مهم رشد اقتصادی در بین کشورهای مختلف جهان به حساب می آید. بر اساس تقسیم بندی بانک جهانی سرمایه های یک کشور به چهار دسته تقسیم می شود :

^{۱۱} - Resource Curse Theory

^{۱۲} - R , Auty 1994 .P.12

۱- " سرمایه فیزیکی^{۱۳} " که در واقع همان معنای سنتی سرمایه را دارد.

۲- " سرمایه انسانی^{۱۴} " که در قالب آموزش ، پژوهش ، تربیت نیروی انسانی و در نهایت مراقبتهای بهداشتی معنا می یابد.

۳- " سرمایه اجتماعی^{۱۵} " که زیر ساختها و بنیادهای یک جامعه را در معنای وسیع آن شامل می شود.

۴- " سرمایه طبیعی^{۱۶} " که شامل منابع جنگلی ، دریایی ، معادن و انرژی در اشکال مختلف آن همانند انرژی های سوختی ، انرژی های گرمایی ، منابع بالقوه تولید برق و از این دست منابع می باشد.

در طول دهه ۱۹۸۰ تجربه موفق اقتصادی کشورهای جنوب و شرق آسیا که از نظر برخورداری از منابع معدنی جزء کشورهای فقیر به حساب می آیند و عقب ماندگی اقتصادی کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین که از منابع غنی معدنی برخوردارند ، دست یافتن به پاسخ این سوال که « آیا رابطه ای بین برخورداری از منابع غنی معدنی و نمایش ضعیف اقتصادی کشورهای برخوردار از این منابع وجود دارد؟» را اهمیت داد و ارتباط منفی بین فراوانی سرمایه های طبیعی یک کشور و نرخ رشد اقتصادی آن معمایی شد که موضوع مطالعات اقتصادی زیادی قرار گرفت.

ممکن است تصور شود که فراوانی منابع طبیعی ، ثروت و در نتیجه قدرت وارداتی را افزایش می دهد و می بایست سرمایه گذاری و رشد اقتصادی را بالا ببرد اما نکته جالب اینجاست که نه تنها برخورداری از منابع طبیعی اثر مثبتی بر رشد و توسعه اقتصادی به همراه نداشته است بلکه منجر به کند شدن و به تاخیر افتادن رشد اقتصادی کشورهای میزبان چنین منابعی شده است. در این زمینه نگاهی به تجربه کشورهای عضو اوپک نشان می دهد که این کشورها از ذخایر نفتی ، معادن و دیگر منابع طبیعی غنی برخوردارند اما رشد اقتصادی این کشورها در بلند مدت نسبت به دیگر کشورهایی که از چنین منابعی برخوردار نیستند ، روند کاهشی داشته است. به عنوان مثال در کشور نیجریه ، با تمام درآمدهای نفتی اش ، درآمد ملی

^{۱۳} - Physical Capital

^{۱۴} - Human Capital

^{۱۵} - Socai Capital

^{۱۶} - Natural Capital